

ناهنجاری‌های اخلاقی از دیدگاه امام سجاد (ع) (شرح دعای هشتم صحیفه سجادیه)

سمیه وحیدیان صادق

اخلاق از مبانی ادیان الهی است و پیامبران برترین الگوهای اخلاقی جوامع بوده‌اند که همواره مردم را به اخلاق حسنه دعوت می‌کردند. رسول خدا (ص) دلیل بعثت خود را چنین می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ به‌راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم [و به مردم بیاموزم] (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۸۲). امام صادق (ع) از جمله عوامل افزایش رزق را خوش اخلاقی می‌دانند و می‌فرمایند: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۲۲۱)؛ خوش اخلاقی روزی را زیاد می‌کند.

امام سجاد (ع) در دعای هشتم صحیفه‌ی سجادیه، تنها پناهگاه انسان در برابر ناهنجاری‌های اخلاقی را خداوند متعال دانسته و به هنگام سرکشی نفس به ذات اقدس پرورگار پناه می‌برند و می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرَصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلَبَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قِلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ إِحْجَاحِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَ سِنَةِ الْغَفْلَةِ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ، وَ إِيثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ، وَ الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثَمِ، وَ اسْتِغَارِ الْمَعْصِيَةِ وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ...».

حضرت سجاد (ع) در این دعا به چهل و چهار مسأله که هر یک علتی است برای هلاکت و نابودی انسان اشاره فرموده‌اند:

۱. حرص، ۲. غضب، ۳. حسد، ۴. کم‌صبری، ۵. قناعت، ۶. سوء خلق، ۷. افراط در شهوت، ۸. تعصب بی جا، ۹. پیروی از هوا، ۱۰. مخالفت با هدایت، ۱۱. خواب غفلت، ۱۲. مشقت‌های بی جا، ۱۳. گزینش حق بر باطل، ۱۴. مداومت بر گناه، ۱۵. کوچک شمردن گناه، ۱۶. سختی و سنگینی در برابر طاعت، ۱۷. فخر فروشی ثروتمندان، ۱۸. خوار شمردن تهیدستان، ۱۹. بدرفتاری با زیردستان، ۲۰. ناسپاسی در برابر خوبی دیگران، ۲۱. یاری ستمگران، ۲۲. خوار کردن ستمدیدگان، ۲۳. طلب ناحق، ۲۴. از روی نادانی سخن گفتن، ۲۵. غش و خدعه، ۲۶. عجب در عمل، ۲۷. آرزوی دراز، ۲۸. بدی باطن، ۲۹. کوچک شمردن گناه صغیره، ۳۰. تسلط شیطان، ۳۱. سختی‌های روزگار، ۳۲. ستمگری پادشاه، ۳۳. اسراف، ۳۴. نیافتن روزی، ۳۵. شماتت دشمنان، ۳۶. نیاز به مثل خود، ۳۷. زندگی در سختی، ۳۸. مرگ بدون توشه‌ی اخروی، ۳۹. تأسف و حسرت بزرگ، ۴۰. مصیبت اعظم، ۴۱. بدترین بدبختی، ۴۲. فرجام ناخوش، ۴۳. محرومیت از پاداش، ۴۴. افتادن در عقاب و عذاب قیامت (انصاریان، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۲۰ و ۳۲۱).

بدون شک وقتی انسان با توفیق حضرت محبوب، عیوبش را شناخت، درمانش آسان است. ولی وقتی وجود ما عیب داشته باشد و ما آن را نبینیم البته علاجش امکان‌پذیر نیست. با کمال تأسف اکثر مردم به عیوب خود جاهلند و بر اثر این جهل است که برای خود و دیگران مشکلات فراوان به وجود می‌آورند. به دلیل همین جهل است که پیامبر اسلام (ص) فرمود:

بعضی از شما خاشاک را در چشم برادرش می‌بیند و تنه‌ی درخت خرما - یا فرمود: تنه‌ی درخت - را در چشم خود نمی‌بیند (<http://www.hadithlib.com/ikndt/>، متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۴۴۱۴۱).

از این رو می‌توان گفت علت عقب‌افتادگی فرد و خانواده و جامعه همین است و بس. کفر عیب است، شرک عیب است، نفاق و بد دلی، کینه و عجب، کبر و حسد و حرص و منیت و ... همه عیب است. اگر انسان این عیوب را در خود بفهمد و ضرر دنیایی و آخرتی این صفات ناپسند را واقف شود، البته درصدد درمان این امراض برمی‌آید (انصاریان، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۲۶).

علاوه بر این اثر هر فضیلت یا رذیلت فراتر از زندگی دنیوی است. فضایل اخلاقی، سعادت ابدی را در پی دارند و رذایل اخلاقی به شقاوت ابدی می‌انجامند. پس آراستن به فضایل و پیراستن از رذایل از مهمترین واجبات است. منطقاً پیراسته شدن از رذایل که اصطلاحاً "تخلی" نامیده می‌شود بر آراسته شدن به فضایل که "تحلی" نامندش، مقدم است؛ چرا که شکوفایی خود

حاصل نمی‌گردد مگر آن که نفس از صفات ناپسند پاک گردد. بنابراین می‌توان گفت: «تخلی + تحلی = سعادت نهایی» (آقا بابایی، ۱۳۸۵، ص ۴).

از طرف دیگر غلبه‌ی شیطان بر انسان، از مشکل‌ترین گرفتاری‌های ماست. زیرا او دارای مکاید بی‌شماری است که بر حسب تفاوت افراد و آگاهی‌های آن‌ها، از آن مکاید استفاده می‌کند؛ لذا هیچ کس - از صالح و فاسد - از تیررس او خارج نیست. مگر مخلص باشد که در هر عصری از اعصار شاید تعداد آن‌ها به انگشتان یک دست نیز نرسد. پس سایر انسان‌ها به طور مطلق در معرض حملات شیطان هستند. البته کید او با علما، غیر از فاسقان و با فقیر، غیر از ثروتمند و با ضعیف، غیر از قدرتمند است. هم چنین او با اشخاص سرشناس و معروف روشی غیر از افراد گمنام دارد. اما به طور کلی همه باید بدانیم که هیچ کس از کید او بی‌نصیب نیست (ممدوحی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۴۸).

در پایان حضرت از تمام آفاتی که در طول دعا و به ویژه در فراز آخر برشمرده، به خدا پناه می‌برند و برای استجابت دعاها و خواسته‌های گذشته بر محمد و آل محمد درود می‌فرستند. زیرا چنان که گفتیم در این صورت، اجابت دعا حتمی است و نیز با دعا برای تمام افراد مؤمن، کلام خود را در درگاه خداوند ارحم الراحمین به پایان می‌رسانند (همان، ص ۴۵۰).

منابع

۱. آقا بابایی، ناصر، درمان در نظام اخلاقی ملامهدی نراقی، رویکردی شناختی - رفتاری، **اخلاق**، ش ۱۳ و ۱۴، ۱۳۸۵.
۲. انصاریان، حسین، **تفسیر و شرح صحیفه سجادیه**، ج ۵، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۹.
۳. طبرسی، علی بن حسن، **مشکاة الانوار فی غرر الاخبار**، نجف اشرف، مکتبة الفقیه، الطبعة الثانية، ۱۳۸۵ ق.
۴. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۵. ممدوحی کرمانشاهی، حسن، **شهود و شناخت**، ج ۱، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

۶. <http://www.hadithlib.com>ikndt HYPERLINK